

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هفدهم، ۱۴ مهر ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/ مسائل بورس/ استناد به قاعده حفظ نظام برای مشروعیت بورس

### 1- حدیث اخلاقی

چون در آستانه اربعین حضرت امام حسین علیه السلام هستیم و آخرین روز تحصیلی هم قبل از تعطیلات اربعین است، حدیث امروز را اختصاص می‌دهیم به حدیث با برکت و با عظمت حضرت امام عسکری علیه السلام که هم جناب سید در اقبال و در مجامع روایی دیگر هم وجود دارد.

حدیث، حدیث مشهوری است و حجت هم است. شهرت دارد و سندش هم سند خوبی است.

امام عسکری علیه السلام فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، وزيارة الأربعين والتختم في اليمين، وتعفير الجبين، والجهر ببسم الله الرحمن الرحيم[1]»  
انسان مؤمن پنج علامت دارد. روایت عجیبی و سنگینی است.

### 1.1- اولین نشانه مؤمن تقید به ینجاه و یک رکعت نمازهای واجب و نافله

اولین نشانه که حضرت برای انسان مؤمن بیان فرمودند صلاة احدى و خمسين است. یعنی مؤمن نشانه‌اش این است که نماز ۵۱ رکعتی دارد. این ۵۱ رکعتی نماد جمعی بین نمازهای واجب و نمازهای استحبابی است. ۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله، ۵۱ رکعت می‌شود. انسان مؤمن اهل نماز استحبابی است. همین جا استفاده کنیم اعزه من و فضیلتی محترم طلبه و محصل و عالم دینی و استاد حوزوی حتما باید در شبانه‌روزی در پرونده علمی و عملی اش مستحباتی ثبت شود. بالاخص نافله شب. علیکم بصلاة اللیل. تا می‌توانید مراقبت بر نماز شب داشته باشید. از توصیه‌های رسول مکرم صلی الله علیه و آله به سرالانبیاء و المرسلین حضرت وصی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام داشتند این بود که سه مرتبه فرمودند «یا علی علیک بصلاة اللیل [2]». یعنی سه مرتبه توصیه به نماز شب نمودند.

### 1.2- دومین نشانه مؤمن: زیارت اربعین

خصلت دیگر که حضرت برای نشانه‌های مؤمن فرمودند زیارة الاربعین. زیارة الأربعین یعنی زیارت اربعین حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام. در گفته‌ها و نوشته‌های اربعین خود گفتیم اربعین نماد عاشورا و تداوم عاشورا؛ و عاشورا تداوم رسالت است. و اربعین معبر انسان‌های مخلص و خالص است. و زیارت اربعین شناسنامه انسان‌هایی است که در چهلمین روز شهادت حضرت با ایشان پیمان ولایی و حبی و اقتدایی می‌بندند که راه حضرت را ادامه دهند. در زیارت اربعین فلسفه شهادت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام استنقاذ مردم از جهالت و حیرت ضلالت است [3].

### 1.2.1-ارتباط بین تقید به فرایض و نوافل با زیارت اربعین

ان شاء الله زیارت اربعین را بخوانید. اگر قرار باشد یک جمله زیارت اربعین و هدف اربعین را ترسیم کنیم یعنی انسان نه شبهه علمی داشته باشد و نه شهوت عملی؛ مراقبت کند که در سیر و سلوک باشد. می‌شود بگوییم که عنوان زیارت اربعین بعد از نماز ۵۱ رکعت دلیل بر این است که نماز را هم اربعین نگه داشته است. در نتیجه نماز است که ما را به اربعین می‌رساند و اربعین است که ما را به نماز می‌رساند. ما باید مراقب کنیم بر اربعین که اربعین نماد عشق است. ما عشق را بلوغ محبت می‌دانیم. محبت وقتی به کمال برسد می‌شود عشق. ﴿أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [4]. و اربعین مسیر محبان است. همان‌طور که در شعار اربعین و شعار اربعینی‌ها است حب الحسین علیه السلام یجمعنا. جمعیت اربعین نماد محبت است.

### 1.2.2-راه جبران پیاده‌روی اربعین با مانع شدن ویروس کرونا و بسته شدن راه

متأسفانه بیماری منحوس کرونا باعث شد عظمت اربعین که همایش جهانی برای ابراز محبت و شهادت و علاقه به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است محدود شد. ولی تعطیل نشد آفرین به عراقی‌ها که ولو با محدودیت زیارت اربعین را انجام می‌دهند. ما هم می‌توانیم از طریق دل به این کاروان ملحق شویم. که در سفر روحانی بُعد مسافت نبود (بُعد منزل نبود در سفر روحانی).

ساعت زیارت اربعین را مراقبت کنیم. و در روز اربعین با خواندن زیارت اربعین در اربعین قرار بگیریم. راه قرار گرفتن در آن است. بدانیم اربعین چیست و چه می‌تواند باشد. هیچ پیغمبری و هیچ وصی‌ای از اوصیا و انبیای الهی اربعین ندارند. ولی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام اربعین دارند. می‌توانیم بگوییم که اربعین هم روز دیگری است مانند روز عاشورا. روز رسیدن به اهداف عاشورا است. روزی است که اربعین را واجد شهادت و اسارت می‌دانیم. یعنی کاروان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در کربلا و عاشورا به شهادت رسیدند و

در اربعین شهادت بعد از اسارت و شهود بعد از اسارت را به جهان رساندند. حالا اربعین اول رفتند یا اربعین دوم باید در تاریخ بحث شود. ما نظرم این است که شاید در اربعین اول مشرف شدند. والد مکرم ما رحمه الله با تفحصی که در تاریخ داشتند نظرشان این بود در اربعین اول مشرف شدند. آنچه مسلم است این است که جابر بن عبدالله انصاری در اربعین اول مشرف شد. ان شاء الله اربعین را مغتنم بدانیم.

### 1.3- نشانه های دیگر مؤمن

خصلت بعدی تخرم در یمین است. انگشتر به دست راست کردن.

چهارم تعفیر الجبین اهل سجده بودن.

و الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم یعنی آیه شریفه بسم الله را بلند خواندن نشانه پنجم انسان های مؤمن است. می توانیم بگوییم در این علامت های مؤمن بین عبادت یعنی نماز، شهادت یعنی اربعین بین اعضا و جوارح یعنی تخرم در یمین و سجده که نزدیک ترین حالات به خدا است و قرآن یعنی جهر به بسم الله، جمع کرده است. یکی از روایاتی است که قابل اهمیت و دقت است. ان شاء الله این روایت را در وجودمان پیاده کنیم و حالاتمان حالات مؤمن باشد. ان شاء الله و هزاران ان شاء الله.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث اقتصادی و مسائل مستحدثه و مسأله بورس ما تا به حال بر مشروعیت بورس و اینکه بورس و معاملات در بورس و معاملات با بورس شرعی دارد و منع شرعی به طور کلی ندارد، چند دلیل تقدیم محضران کردیم. عمومات و اطلاقات ﴿أوفوا بالعقود﴾ [5]، ﴿أحل الله البيع﴾ [6]، ﴿لا تأكلوا أموالكم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض﴾ [7]. گفتیم اطلاقش شامل عقود عقلایی بورس می شود. بعد استناد به سیره عقلا کردیم. سیره عقلاء هم قابل استناد بود که عرض کردیم.

### 3- استناد به قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال نظام برای مشروعیت بورس

بحث دیگر دلیل برای موارد دیگر هم واقع می شود. خداوند رحمت کند مرحوم شیخ را در رسائل در ج ۳ ص ۳۵۰ وقتی بحث اصالة الصحة می شود و اینکه آیا اصالة الصحة را جاری کنیم یا خیر؟ حتی در مانحن فیه هم آیا بورس صحیح است یا خیر؟ مرحوم شیخ قاعده ای را مثال می زنند که باید تحت عنوان یک قاعده بحث شود گرچه در کتب فقهی و اصولی کمتر به آن پرداخته شده است و ان شاء الله باید بعدا به عنوان قاعده اساسی در قواعد فقهی بحث

کنیم، قاعده‌ای تحت عنوان حفظ نظام و عدم اختلال به نظام (حالا نظام را هم معنایش خواهیم گفت) وجود دارد.

### 3.1- واژه‌شناسی نظام

#### 3.1.1- معنای لغوی نظام

برای اینکه اجمالی مطرح کرده باشیم و بدانیم حفظ نظام و قاعده عدم اختلال به نظام چیست می‌گوییم در مورد لغت نظام در کتاب‌های اصیل لغت مثل لسان العرب و صحاح [8] می‌فرمایند: نظم و نظام دو مصدر است از فعل نَطَّمَ. عبارت این است که «النظم التألیف و ضم شيء الى شيء آخر و كل شيء قرنته بآخر فقد نظمته [9]».»

نظم و نظام این است که چیزی را به چیز دیگر ضمیمه کنید. و هر چیزی که به چیز دیگر ضمیمه شود عرب به آن می‌گوید نظام و نظم.

نظمت اللؤلؤ یعنی دانه‌های دُر را کنار هم چیدم. حتی همین تسبیحی که دست من و شما است و ان شاء الله هر روز و هر شب ذکر می‌گوییم این دانه‌های تسبیح هم برای انسجام در ذکر است. پس نظام به لحاظ لغت به معنای تألیف و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است.

#### 3.1.2- معنای اصطلاحی نظام

اما در اصطلاح آقایان چند معنا شاید برای نظام باشد:

##### 3.1.2.1- نظام اسلامی

یکی از معانی نظام این است نظام یعنی نظام اسلامی. یعنی مجموعه قوانین اسلام که نامش را نظام اسلامی می‌گذاریم که قطعاً حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. خدا رحمت کند مرحوم صاحب جواهر رحمه الله این عنوان را به تبع بزرگان حفظ بیضه اسلام مطرح کردند. ما حد و حدود اسلام را باید حفظ کنیم [10].

پس یک معنای نظام یعنی نظام اسلامی و نظام دینی که واجب بر همه است در روایات هم داریم. حتی آیه شریفه ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [11] در برابر حفظ نظام هم نمی‌تواند عرض اندام کند.

##### 3.1.2.2- نظام حکومتی

معنای دیگری که برای نظام است اینکه مراد از نظام، نظام حکومتی باشد. مثلاً نظام جمهوری اسلامی الحمد لله که اسلام در مملکت ما حاکم است. حفظ حاکمیت اسلامی مانند حفظ نظام

اسلامی که در معنای اول بود واجب است. ضریه زدن به حاکمیت اسلامی جفایی است که پذیرفته نیست. حفظ نظام این دو معنا را شامل می‌شود.

### 3.1.2.3- امور معیشتی مردم

اما معنای سومی که مطرح است الآن که قاعده حفظ نظام را می‌گوییم این معنای سوم از نظام مراد ما است. نظام یعنی سامان دادن و سامان گرفتن امور معیشتی مردم و جریان وضع معیشتی و اقتصادی و اجتماعی مردم. و حفظ این نظام یعنی رعایت مسائلی که امور مردم را حفظ می‌کند و معیشت مردم را نگه می‌دارد. و از هم گسیختگی و هرج و مرج برطرف می‌شود. و این هم یکی از مواردی است که خیلی قابل دقت است.

### 3.2- بررسی اقوال علما در باره قاعده حفظ نظام

#### 3.2.1- نظر شیخ انصاری رحمه الله در مورد اختلال نظام

مرحوم شیخ در رسائل، عبارتشان این است:

الرابع: العقل المستقل الحاكم (دلیل بر اصاله الصحة عقل مستقلى است که حاکم است به این که اگر به این اصل عمل نشود (بأنه لو لم یبن على هذا الأصل لزم اختلال نظام المعاد والمعاش،) اگر بیان بر این اصل نشود نظام دنیا و آخرت مردم به هم می‌ریزد (بل الاختلال الحاصل من ترك العمل بهذا الأصل أزيد من الاختلال الحاصل من ترك العمل ب "ید المسلم) [12]" اختلال ترک این اصاله الصحة بیشتر از اختلال ناشی از ترک ید مسلم است. این اصل یعنی اصاله الصحة. این اختلالی که اینجا رخ می‌دهد از اختلال ید المسلم بیشتر است.

پس ایشان جایگاه حفظ نظام را هم مطرح کردند.

مرحوم شیخ رحمه الله در رسائل خود دارند که:

«و الحاصل ان قاعدة نفی الحرج (حتى قاعده ی نفی حرج که یکی از مؤیداتی است که می‌توانیم قاعده حفظ نظام را زنده کنیم) مما ثبتت بالأدلة الثلاثة بل الأربعة فی مثل المقام لاستقلال العقل بقبح التكليف بما یوجب إختلال نظام أمر المكلف [13].» شیخ می‌فرمایند: آنچه که نظام امر مکلف را در هم کند باید مراقبت کنیم.

#### 3.2.2- نظر صاحب جواهر در مورد قاعده حفظ نظام

جوهر را ببینید در ج ۲۱، ص ۴۰۴ وقتی بحث اجتهاد مطرح می شود خیلی زیبا است و اجتهاد را واجب کفایی می دانند که اگر من به الکفایة نباشند واجب عینی می شود. حتی عده ای باید مجتهد شوند. اما اگر من به الکفایة بود وجوب کفایی پیدا می کند. چون یکی از شئون اجتهاد هم قضاء است. چون اگر مجتهد نباشد قضاوت هم تعطیل می شود. یکی از شرایط قضاوت اجتهاد است. مرحوم صاحب جوهر رحمه الله دلیلی که برای این جهت می آورند استناد به قاعده حفظ نظام است.

عبارت ایشان این است:

«کما يجب تحصيل المرتبة المزبورة كذلك أيضا على المشهور ، لتوقف النظام عليها [14]»، (حفظ نظام متوقف بر واجبات کفایی مثل قضاوت است. مردم معمولا مشکلات قضایی دارند که باید حل شود و حل مشکلات به این است که مجتهدینی در بین مردم باشند و مجتهدین باید به وجوب کفایی تأمین شوند. مرحوم صاحب جوهر بحث حفظ نظام را مطرح می کنند. حالا ما ان شاء الله روزی که قاعده را به عنوان بحث مستقل فقهی مان قرار بدهیم حتی در فقه تحت عنوان واجبات نظامیه هم می توانیم عنوانی را دخیل کنیم. چیزهایی که به عنوان واجبات نظام باید بدانیم. و حتی می توانیم این بحث را مطرح کنیم که آیا اگر چیزی مرتبط با نظام معیشتی مردم بود [نکته های مهمی است که عرض می کنم این راهکارهایی است برای ورود و تحلیل مباحث فقهی و حتی مسائل مستحدثه و غیر مستحدثه] مثلا برای حفظ نظام معیشتی مردم اجرت لازم بود و حفظ نظام معیشتی مردم واجب بود آیا این اجرت صحت دارد یا ندارد؟ اگر مبنا این شد که اخذ اجرت بر واجبات حرام است اینجا باید حفظ نظام را بدون اجرت داشته باشد. قاعده حفظ نظام اینقدر قاعده گسترده ای است.)

با توجه به مطالبی که عرض کردیم ما عرضمان این است که یکی از قواعد فقهیه ای که می تواند ما را در مشروعیت خیلی از مسائل اقتصادی مردم کمک کند و به قول مرحوم شیخ، معاش و معاد مردم که «من لا معاش له لا معاد له» قاعده حفظ نظام است. ما روایات مختلفی داریم روایات صحیحیه هم هست، می توانیم بگوییم مشروعیت بعضی از بازارها عقلایی ای است که بین مردم وجود دارد. یکی از بازارهای عقلایی را می توانیم بازار متداول بورس است. چه در جهان و چه منطقه ای خاص؟

### 3.2.3- نظر امام رحمه الله در مورد قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال نظام

در موسوعه امام ج ۲ ص ۶۵۷ تعبیر ایشان این است.

«حفظ النظام من الواجبات الأكيدة و اختلال امور المسلمين من الأمور المغضوبه [15].»

آفرین تعبیر زیبایی دارند ما می‌توانیم بگوییم هر سه معنای نظام که بیان کردیم قابل استناد است. و همه شان جزء واجبات است. چه نظام معیشتی مردم چه نظام حکومتی مردم و چه نظام دینی مردم. و به تعبیر بهتر نظام دنیوی و اخروی مردم باید حفظ شود.

و وقتی چنین باشد نقیض آن استفاده کنیم: اختلال به این نظام جزو ممنوعات است. و به عبارت بهتر اختلال به نظام حرام می‌شود. همانطور که مرحوم شیخ رحمه الله، حضرت امام و فقهای دیگر هم فرمودند. پس این نظام معیشتی مردم را باید نگه داریم.

و نظام معیشتی مردم به این است که خیلی از معاملاتی که بین عقلای قوم و مردم و سیره متشرعه و سیره شرعیه آنها برقرار است، اگر متعبد به آن نباشیم اختلال نظام رخ می‌دهد.

3.2.4- کلام سید ابراهیم یزدی رحمه الله در حاشیه رسائل: قبح اختلال نظام بر مبنای عقل و بناء عقلاء

سید یزدی رحمه الله عبارتشان این است:

«الظاهر أنّ هذا دليل آخر غير بناء العقلاء، (یعنی قاعده حفظ نظام غیر از بناء عقلاء است. یک وقت بناء عقلاء به حفظ بازار و بورس است. یک وقت می‌گوییم حفظ نظام اقتصادی و اجتماعی مردم بر این است (لأنّ ما يوجب اختلال نظام العالم يستقل العقل بنفيه) عقل مستقل به نفی آن است. پس می‌توانیم بگوییم که قاعده حفظ نظام پشتیبان عقل را دارد و عقل همان‌طور که حکم به قبح عقاب بلا بیان می‌کند می‌گوید نظام معیشتی مردم باید حفظ شود و این غیر از بناء عقلاء است. ما یک وقت می‌خواهیم بگوییم بناء عقلاء و سیره عقلانیه چنانچه قبلاً داشتیم یک وقت می‌گوییم دلیل عقلی بر حفظ نظام اقتصادی مردم. من همین جا اشاره کنم برای خیلی از مسائل اقتصادی قائل به نظام هستیم حالا آن نظام بیان نشده باید تبیین شود. همان‌طور که بسیاری از بزرگان ما مثل صاحب وسائل مرحوم شیخ حر عاملی شیخ طوسی و مرحوم صدوق و مرحوم کلینی و این اواخر مرحوم بروجردی و مرحوم نوری همان‌طور که ابواب مختلف فقهی را باب باب و تبویب کردند نظام‌های ما هم باید مستقل شود. (مع قطع النظر عن بناء العقلاء على عدمه، كما أنّ بناء العقلاء يكون دليلاً على المطلوب مع قطع النظر عن حكم العقل بمفسدة اختلال النظام بل مع فرض عدمه [16])» پس می‌شود گفت عقل استقلال دارد.

3.2.5- کلام شیخ محمد علی کاظمی خراسانی رحمه الله در مورد قبح عقلی اختلال نظام

مرحوم کاظمی خراسانی رحمه الله در تعلیقه‌هایشان بر مکاسب دارند که:

«فإن الاحتیاط المخل بالنظام مما يستقل العقل بقبح نصبه» [17] «چیزهایی که عقل حکم می‌کند به اینکه قبیح است و باید جلوگیری از اختلال به نظام بشود. چه به سیره عقلائی و چه به دلیل عقلی.

### 3.3- دلیل قرآنی بر وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال نظام

جالب این است که آیاتی هم که در آن آیات نفی فتنه و نفی فساد دارد ما می‌توانیم به مبنای ما دلیل بر تأیید قاعده حفظ نظام قرار بدهیم. چون یکی از بالاترین فسادها، فساد به هم ریختن جمعیت مسلمین و نظام اجتماعی و اقتصادی مردم است. و می‌توانیم بگوییم آیه سوره توبه این را هم می‌توانیم دلیل قرار دهیم.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [18].

### 3.4- ضرورت حاکم برای حفظ نظام و عدم اختلال نظام

ما نظرمات این است که شالوده بازار مسلمین و اساس اجتماع آنها و اساس نظامات چه نظام اقتصادی چه نظام سیاسی و حتی نظام حکومتی و لو غیر اسلامی باشد به عنوان نفس حاکمی که ائمه علیهم السلام ما امر فرموده‌اند که اگر چند نفر هم هستند یک نفر حاکم باشد. مبنای حضرت امام هم همین است. ما عرضمان این است که این دلیل بر این است که باید حفظ جمعیت نظام اقتصادی اسلام را داشته باشیم.

خدا رحمت کند مرحوم شیخ صدوق ره در علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۵۳ ایشان حدیثی نقل می‌کنند که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: «أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَيْسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا» و ایشان فرمودند: امر حکیم در این است که خلق را بدون قوام و قیام قرار نداده است قوام و قیام و حاکمی که (فیقاتلون به عدوهم و یقسمون به فیئهم و یقیمون به جمعهم و جماعتهم و یمنع ظالمهم من مظلومهم) [19].»

### 3.5- قاعده أصالة الصحة برای سوق مسلمین به سبب جلوگیری از اختلال نظام

ما از این استفاده می‌کنیم که بحث حفظ نظام بحث دقیقی است که سوق المسلمین یکی از مصادیق حفظ نظام اقتصادی است. البته اگر قائل به نظام اقتصادی باشیم. ما قائل به نظام‌مند بودن خیلی از مسائل دینی هستیم.



بنابراین ما وقتی در بحث کبروی وقتی شک نداشتیم می‌گوییم حال که کبرای کلی ثابت شد که حفظ نظام لازم است. اختلال به نظام مشکل دارد ما باید سراغ مصداق برویم. ما وقتی به سراغ مصداق می‌رویم می‌بینیم دنیا طوری پیشرفت کرده که همان‌طور که در زمان قدیم برخی معاملات بسیط جزو اختلال نظام بود امروز هم این گستردگی بازار را ما شکی نداریم.

من دوباره عبارت مرحوم شیخ ره را بخوانم ایشان می‌فرمایند:

«مع أن الإمام عليه السلام قال لفحص بن غياث - بعد الحكم بان اليد دليل الملك و يجوز الشهادة بالملك بمجرد اليد - انه لو لا ذلك لما قام للمسلمين سوق فيدل بفحواه على اعتبار اصابة الصحة في اعمال المسلمين مضافا الى دلالاته بظاهر اللفظ حيث ان الظاهر ان كل ما لولاه لزم الاختلال فهو حق لان الاختلال باطل و المستلزم للبطل باطل فنقيضه حق و هو اعتبار اصابة الصحة عند الشك في صحة ما صدر عن الغير و يشير اليه ايضا ما ورد من نفي الحرج و توسعة الدين و ذم من ضيقوا على انفسهم بجهالتهم [20].»

### 3.6- بورس بر اساس بناء عقلاء است و حذف آن موجب اختلال نظام است

ما الآن می‌گوییم بورس معامله عقلانیه قوم هست یا نیست؟ می‌بینیم عقلاء این معامله را الآن دارند. وقتی عقلاء این معامله را داشتند می‌بینیم بورس را اگر حذف کنیم ولو به قول کسانی که بگویند این اختلال نظام را به وجود آورده است که بحث مصداقی است و مصداقا باید ثابت کنیم ما می‌گوییم نه عکسش اختلال نظام است چون معاملات این گونه است. و حالا که معاملات این گونه است بنابر مبنایی که ما در جلسات گذشته هم تقریر کردیم که نمی‌گوییم شارعی که عرف درست می‌کند بلکه عرفی که شارع آن عرف را تأیید می‌کند یعنی ما در معاملات قائل به عرفیات شرعیات هستیم نه شرعیات عرفیات. قائل به حقیقت شرعیه نیستیم قائل به حقایق لغویه و عرفیه هستیم که شارع مقدس این را تأیید کرده است. یکی از راه‌های تأیید شارع مقدس همین بحث اختلال نظام است. و ما از راه اختلال نظام می‌فهمیم که بورس صحیح است.

### 3.7- اولویت قاعده اختلال نظام نسبت به قاعده ید

خدا رحمت کند مرحوم بجنوردی در قواعد فقهیه تعبیر زیبایی دارند. ایشان می‌فرمایند:

«و الإنصاف ان الاختلال الذی يلزم من عدم اعتبار هذه القاعدة اشد و اعظم من الإختلال الذی يلزم من عدم اعتبار قاعدة اليد (قاعده اختلال نظام از قاعده ید هم بالاتر است (فإن هذه القاعدة) قاعده اختلال نظام (جارية في اغلب ابواب الفقه من العبادات و المعاملات [21].»

#### 4- اصل بورس مشروعیت دارد هر چند بعضی از مصادیقش شرعی نیست

عرض ما این است که قاعده حفظ نظام در خیلی از معاملات و عبادات جاری می‌شود. و یکی از جزیی جزیی آنها معاملات بورس است. می‌شود بر اساس قاعده حفظ نظام، مشروعیت بعضی از مسائل عقلائی را تثبیت کرد. البته هر معامله‌ای را نمی‌گوییم جزء حفظ نظام و عدمش اختلال به نظام است. بلکه معاملات عقلایی‌ای که این گونه باشد. پس ما عرضمان این است حفظ نظام به هر سه معنا نباید اختلال به نظام باشد به خصوص نظام معیشت مردم.

الآن اگر بورس دایر نباشد خیلی از معیشت‌ها دارای مشکل است. ما قبول نداریم همه معاملات بورس چه در بورس و چه با بورس مشروع است. ما می‌خواهیم بگوییم این فضا فضای نامشروع نیست گرچه بعضی از مسائلش در آن تأمل داشته باشیم که بعداً به آن می‌رسیم و بیان می‌کنیم. اما فضای کلی فضای عقلایی و عقلی است. فضای نظام معیشتی و اقتصادی است. وقتی این گونه باشد عدمش و اختلال در آن هم اشکال دارد.

#### 4.1- کلام حضرت امام رحمه الله در نفوذ حاکم شرع در مبارزه با اختلال نظام

حضرت امام رضوان الله علیه نسبت به مباحث اقتصادی نظریات خوبی دارند. ایشان در توضیح المسائل می‌فرمایند:

«خریدار و فروشنده در تعیین نرخ کالا آزادند ولی اگر این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام جامعه اسلامی شود حاکم شرع می‌تواند در مواردی تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم کند [22]». حضرت امام رحمه الله نظرشان این است که حاکم باید ورود کند.

ما بعداً می‌رسیم که بورسی معتبر می‌دانیم که تحت نظر حاکم شرع باشد. و حاکم شرع را ولی فقیه می‌دانیم و آن بورسی است که می‌گوییم مشروعیت ندارد نه هر بورسی که هر کاری خواست انجام دهد.

بورس خارجی را هم به عنوان مکلف داخل در تحت تکلیف می‌دانیم. چون ﴿أوفوا بالعقود﴾ را عام می‌دانیم. آنها باید کار خود را با اسلام هماهنگ کنند نه اسلام کارش را با آنها تطبیق کند.

امیدواریم که ان شاء الله این دقتی که در مسائل اسلامی هست به آن برسیم. قاعده وجوب حفظ نظام و عدم اختلال در آن را یکی از واجبات مهم می‌دانیم. حفظ نظام جامعه و معیشت و اقتصاد و سیاست و حاکمیت و همه اینها مترتب بر این قاعده است. ان شاء الله بتوانیم

نظام را حفظ كنيم. در بحث تزامم هم نظرمآن این است كه قاعده حفظ نظام مقدم بر بسیاری قواعد است.

---

[1] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۰، ص ۳۷۳، أبواب المزار و ما یناسبه، باب ۵۶، ح ۱، ط الإسلامیة.

[2] الوافی، الفیض الکاآانی، ج ۷، ص ۱۰۲.

[3] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۴۶۸.

[4] بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۵.

[5] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[6] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.

[7] نساء/سوره ۴، آیه ۲۹.

[8] الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، الجوهري، أبو نصر، ج ۵، ص ۲۰۴۱.

[9] لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۲، ص ۵۷۸.

[10] جواهر الكلام، النجفی الجوهري، الشیخ محمد حسن، ج ۲۱، ص ۳۹.

[11] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[12] فرائد الأصول، الشیخ مرتضی الأنصاري، ج ۳، ص ۳۵۰.

[13] فرائد الأصول، الشیخ مرتضی الأنصاري، ج ۱، ص ۴۰۷.

[14] جواهر الكلام، النجفی الجوهري، الشیخ محمد حسن، ج ۲۱، ص ۴۰۴.

[15] موسوعة الإمام الخميني ۱۵ الى ۱۹ (كتاب البيع)، الخميني، السيد روح الله، ج ۲، ص ۶۵۷.

[16] حاشیة فرائد الأصول - تقریرات، اليزدي النجفی، السيد محمد إبراهيم، ج ۳، ص ۱۱۸.

[17] فوائد الأصول، الکاظمي الخراساني، الشیخ محمد علي، ج ۳، ص ۲۴۴.

[18] توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۷.

[19] علل الشرائع، الشيخ الصدوق، ج ١، ص ٢٥٣.

[20] فرائد الأصول، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج ٣، ص ٣٥٠.

[21] القواعد الفقهية، الموسوي البجنوردي، السيد حسن، ج ١، ص ٢٨٨.

[22] رساله توضيح المسائل (مراجع)، خميني، روح الله و ساير مراجع، ج ٢، ص ٩٢٢.